فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۸، شماره ۲۲، پاییز ۱۴۰۲

نقش سبک‌های تربیتی و سبک‌های اسنادی در پیش‌بینی اختلال سلوک با واسطه‌گری سبک‌های هویت در بین دانش‌آموزان دختر دوره‌ی دوم متوسطه

مهران سلیمانی [۱]، تیشکه رستاری [۲]

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش سبک‌های تربیتی و سبک‌های اسنادی در پیش‌بینی اختلال سلوک با واسطه‌گری سبک‌های هویت در دانش آموزان دوره دوم متوسطه بود. **مواد و روش کار**: جامعه آماری، شامل کلیه دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر مهاباد در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود و با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۳۵۰ نفر به‌عنوان نمونه گزینش شدند. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های علائم مرضی کودکان CSI-4 ، پرسشنامه‌ی سبک‌های فرزند پروری بامریند، پرسشنامه‌ی سبک‌های اسنادی، پرسشنامه‌ی سبک‌های هویت برزونسکی استفاده گردید. جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار Smart-PLS3 و Spss-25 استفاده شد. **یافته‌ها**: نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد که ارتباط مثبت و معناداری بین سبک‌های تربیتی سهل گیرانه و مستبدانه با اختلال سلوک و همچنین رابطه منفی و معناداری بین سبک تربیتی قاطعانه با اختلال سلوک وجود دارد($P \leq ۰/۰۵$). رابطه بین سبک اسنادی موقعیت مثبت با اختلال سلوک منفی و معنادار و سبک اسنادی موقعیت منفی مثبت و معنادار است($P \leq ۰/۰۵$). رابطه بین سبک‌های هویتی هنجاری و اجتنابی با اختلال سلوک مثبت و معنادار و سبک هویت اطلاعاتی منفی و معنادار می‌باشد ($P \leq ۰/۰۵$). **بحث و نتیجه‌گیری**: نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای مذکور توانایی پیش‌بینی اختلال سلوک را دارند.

کلید واژه‌ها: اختلال سلوک، سبک تربیتی، سبک اسنادی، سبک هویت

[۱] دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) Msoleymani21@yahoo.com
۲ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد،دانشکده اقتصاد و علوم انسانی، گروه روانشناسی تربیتی،دانشگاه غیرانتفاعی آفاق ارومیه، ایران

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-13]

مقدمه

دوره‌ی نوجوانی همراه با چالش‌های زیادی برای فرد است زیرا نوجوان هم باید با تغییرات درونی خود و هم خانواده و همسالانش سازگاری پیدا کند. همچنین برای رسیدن به هویت، اعتمادبه‌نفس سالم و رشد روانی مناسب باید این دوره را به‌سلامت طی کند. اما مطالعات اخیر نشان می‌دهد تعداد نوجوانانی که نشانه‌های آسیب رفتاری یا هیجانی را بروز می‌دهند افزایش‌یافته است (رایس و همکاران، ۲۰۱۹). بسیاری از والدین، معلمان و سایر بزرگ‌سالان با کودکان و نوجوانانی سروکار دارند که رفتارهای پرخاشگرانه دارند، دروغ می‌گویند، به اشیاء اطراف خود آسیب می‌رسانند، نافرمان‌اند و با سایر کودکان در جنگ و نزاع‌اند. ازآنجایی‌که این رفتارها مشکل‌آفرین و مخرب‌اند باید به آن‌ها توجه کافی مبذول داشت. هنگامی‌که این رفتارها شدید و بادوام باشند آسیب‌های جدی ایجاد می‌کنند. یکی از عواملی که در نوجوانان و کودکان ممکن است باعث ایجاد بزهکاری گردد اختلال سلوک می‌باشد، اختلالی که با تجاوز مکرر و مستمر به حقوق دیگران مشخص می‌شود. اختلال سلوک در مقوله‌ی اختلالات رفتار اذایی قرار می‌گیرد این اختلال موجب اختلال کارکرد اجتماعی و آموزش در کودکان و نوجوانان می‌گردد. اختلال سلوک یک اختلال روانی است که با یک الگوی رفتاری تکراری و مداوم مشخص می‌شود که در آن حقوق اولیه دیگران، هنجارها یا قوانین اصلی اجتماعی متناسب با سن نقض می‌شود. این رفتارها به چهار دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شوند: رفتار پرخاشگرانه که باعث تهدید یا آسیب فیزیکی به سایر افراد یا حیوانات می‌شود، رفتار غیرتهاجمی که باعث از بین رفتن یا آسیب مالی می‌شود، فریبکاری یا سرقت، و نقض جدی قوانین. سه یا چند رفتار مشخصه باید در طول دوره‌ی ۱۲ ماه گذشته وجود داشته باشد یا حداقل یک رفتار در ۶ ماه گذشته. این اختلال در رفتار باعث آسیب بالینی قابل‌توجه در عملکرد اجتماعی، تحصیلی و شغلی می‌شود. اختلال سلوک تحت تاثیرعوامل ژنتیکی و عوامل محیطی مانند عوامل پیش از تولد، عوامل خانوادگی و عوامل اجتماعی-اقتصادی قرار دارد. تخمین شیوع یک‌ساله جمعیت در ایالات‌متحده و سایر کشورهای با درآمد بالا از ۲٪ تا بیش از ۱۰٪ با میانگین ۴٪ متغیر می‌باشند. در ایالات‌متحده، شیوع مادام‌العمر ۱۲٪ در بین مردان و ۷/۱ ٪ در بین زنان یافت شد. به نظر می رسد شیوع اختلال سلوک در نمونه‌های غربی نسبتاً ثابت است (انجمن روان‌پزشکی امریکا،۲۰۲۱). اختلال سلوک می‌تواند قبل از ۱۰ سالگی یا در نوجوانی شروع شود و کودکان مبتلابه اختلال سلوک زودرس در معرض خطر بیشتری برای مشکلات مداوم قرار دارند. داده‌های فعلی نشان می‌دهد که شیوع اختلال سلوک در کودکان بین ۵ تا ۱۲ سال ۲ تا ۵ درصد و در نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ سال ۵ تا ۹ درصد است (مرکز تخصصی اینسرم جمعی اختلال سلوک،۲۰۱۸). نوجوانان دارای اختلال سلوک دچار مشکل در حل مسائل، کاهش عزت‌نفس، پرخاشگری و قُلدری و رفتارهای ناسازگارانه، ناتوانی در عملکرد تحصیلی و ضعف در مهارت‌های اجتماعی کلامی و غیرکلامی می‌باشند (قزلسفلو و همتی پویا، ۱۳۹۷). نوجوانانی که دارای اختلال سلوک هستند در بزرگ‌سالی در معرض این مشکلات قرار خواهند گرفت : اختلالات اضطرابی، خلقی، فشارهای روانی پس آسیبی، کنترل تکانه، روان‌پریشی و همچنین اختلالات مربوط به مواد. علائم مربوط به اختلال‌ها با افزایش سن و قدرت جسمانی و بلوغ جنسی و همین‌طور توانایی های شناختی تغییر پیدا می‌کند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۲۱). نخستین مرحله‌ی دنیای ارتباطات برای فرزندان ، تعامل با والدین است. ریشه‌ی پدید آیی احساس امنیت، عشق و صمیمیت به‌طور مستقیم در این روابط نهفته است (داموف و همکاران، ۲۰۱۸). هر خانواده‌ای شیوه‌های فرزند پروری خاص خود را برای تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش دارد که شامل مجموعه‌ای از رفتارهاست که تعاملات کودک - والد را در موقعیت‌های زیادی توصیف می‌کند و یک جو تعاملی را به وجود می آورد و عاملی تعیین‌کننده و اثرگذار است که نقش مهمی در رشد روانی کودک دارد. بعضی از عوامل مربوط به والدین که بر تحول کودکان اثرگذار است شامل گرمی و پذیرش و کنترل رفتاری کودکان است. در تحقیقات بامریند سه شیوه‌ی فرزند پروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه معرفی‌شده است، که بر طبق ابعاد گرمی و کنترل باهم فرق دارند. والدین آسان‌گیر، سطح بالای گرمی و کنترل رفتاری پایینی دارند. فرزندان آن‌ها طبق میل خودشان و با کمترین نظم و انضباط رفتار می‌کنند. والدین مستبد، پایین‌ترین گرمی و سطح بالای کنترل رفتاری را اعمال می‌کنند. این والدین خیلی سخت‌گیر هستند و به‌جای قوانین، معیارهای محدود خاص خود را دارند. درنهایت، والدین مقتدر سطح بالای گرمی و کنترل رفتاری را اعمال می‌کنند. راهنمایی

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-13]

های منطقی کودکان از ویژگی‌های سبک والدینی مقتدرانه است . ارتباط نزدیکی بین کیفیت رابطه‌ی والدین و فرزندان با رفتارهای سازگارانه‌ی آن‌ها وجود دارد. درصورتی‌که تعامل والد - فرزند ناسازگارانه و ناکارآمد باشد، سلامت هیجانی و روان‌شناختی فرزندان با مخاطره روبرو می‌شود (شان و همکاران،۲۰۲۰). بر اساس یافته‌های بامریند، فرزندان والدین مقتدر، بسیار خوب پرورش می‌یابند. آن‌ها شاد و سرحال هستند، در تسلط یابی بر تکالیف تازه، اعتمادبه‌نفس دارند و خودگردان می باشند. کودکان دارای والدین مستبد، مضطرب، گوشه‌گیر و ناخوشنود هستند. فرزندان والدین آسان‌گیر، خیلی ناپخته می‌باشند، آن‌ها در کنترل تکانه‌هایشان دچار مشکل هستند. بر اساس نتایج مطالعه سهرابی و همکاران(۱۳۹۴)، آموزش روش‌های فرزند پروری والدین باعث کاهش علائم اختلال سلوک در نوجوانان می‌شود و همچنین باعث کاهش پرخاشگری نوجوانان در ۳ خرده مقیاس، ناکامی، پرخاشگری بدنی و پرخاشگری در رابطه با همسالان می‌گردد و برقراری عاطفه‌ی مثبت والدین نسبت به نوجوانان موجب افزایش تعاملات مثبت بین آن‌ها می‌شود. زمانی که نوجوان احساس کند بدون قضاوت و نصیحت شدن به حرف‌هایش گوش‌داده می‌شود، از این طریق احساس ارزشمند بودن و موردتوجه قرار گرفتن و تعلق در او ایجاد می‌شود. غیر از سبک‌های فرزند پروری عامل دیگری که می‌توانند پیش‌بینی کننده‌ی اختلال سلوک باشد، سبک‌های اسنادی هستند. سبک اسناد شیوه‌ای است که از طریق آن تلاش می‌کنیم عوامل پایدار و زیربنایی رفتار دیگران و دلایلی که افراد به شیوه‌های معین عمل می‌کنند، را درک کنیم. اسناد شامل دو نوع است : سبک تبیین خوش‌بینانه و سبک تبیین بدبینانه. سبک‌های اسنادی دو نوع رویداد را شامل می‌شوند : ۱- رویدادهای مثبت ۲- رویدادهای منفی. هرکدام از این مؤلفه‌ها شامل سه مؤلفه هستند. اسناد درونی – بیرونی، اسناد پایدار- ناپایدار، اسناد کلی-جزئی. اسناد درونی-بیرونی عبارت است : از نسبت دادن علل موفقیت و شکست به عوامل درون فرد در مقابل نسبت دادن آن به عوامل خارج از فرد، محیط یا موقعیت. اسناد پایدار-ناپایدارعبارت است : از نسبت دادن علل موفقیت و شکست به عوامل پایدار و همیشگی، در برابر علت‌های کوتاه‌مدت و ناپایدار. اسناد کلی-جزئی عبارت است : از نسبت دادن علل موفقیت و شکست به تمام موقعیت‌ها در مقابل نسبت دادن آن به یک موقعیت خاص. دانش آموزان دارای اختلال سلوک، رفتارهای ناخوشایند را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند که سبب کاهش احساس گناه نسبت به انجام آن رفتارها می‌شود و باعث ایجاد تکانش وری، کینه‌ورزی و بزهکاری خواهد شد (اسکاینی و همکاران، ۲۰۲۰). یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش جوهری و علیجانی (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که سبک اسناد مثبت ارتباط منفی و معناداری با اختلال سلوک دارد و گرایش‌های اسنادی در سازگاری هیجانی فرد اهمیت زیادی دارند. می‌توان گفت که سبک‌های اسنادی، بر نگرش‌ها، انتظارات، هیجان‌ها، شیوه‌های برخورد و سلامت روان اشخاص تأثیر چشمگیری دارند. همچنین سبک‌های اسناد منفی، با افسردگی و اضطراب رابطه دارند و در درازمدت بر کارکرد اجتماعی، شغلی و خانوادگی شخص اثرگذارند و کیفیت زندگی او را کاهش می دهند. متغیر میانجی سبک‌های هویت می‌باشد. نوجوانی پل بین کودکی و بزرگ‌سالی است. در این دوره، افراد ازنظر رشد شناختی، اخلاقی و اجتماعی پیشرفته‌ای مهم و زیادی می‌کنند. مهم‌ترین زمینه‌ی رشد در طول نوجوانی، تغییرات جسمانی و تغییرات مربوط به رشد هیجانی و شخصیت است. گرچه تلاش برای کسب هویت فرایندی دائمی است، اما در دوره‌ی نوجوانی خیلی شدیدتر است. نوجوانان به شیوه‌های مختلف به تشکیل هویت می‌پردازند. به عقیده‌ی جیمز مارسیا، وجود یا عدم وجود بحران و تعهد می‌تواند باعث ایجاد چهار وضعیت هویت به صورت‌های مختلف شوند. چهار وضعیت هویت مارسیا به‌قرار زیر هستند : ضبط هویت، تعهد دائمی به بصیرت‌ها، ارزش‌ها و نقش‌هایی است که والدین فرد تجویز کرده‌اند. این مسیر به فرد امکان می‌دهد که از تلاش بی‌هویت بگریزد، اما بعداً می‌تواند موجب بروز مشکلاتی شود. وقفه، عبارت است از به تأخیر انداختن امتحان کردن ایدئولوژی‌ها و مشاغل. این امتحان کردن می‌تواند باارزش باشد. متأسفانه، برخی افراد در این مرحله موقتی می مانند. پراکندگی هویت، افرادی که هویت پراکنده دارند جهت روشنی ندارند. آنان پایبند ارزش‌ها و اهداف نمی‌باشند و برای دستیابی به آن‌ها تلاش هم نمی‌کنند. آن‌ها ممکن است هیچ‌وقت گزینه‌ای را جستجو نکرده باشند یا این کار را بسیار تهدیدکننده بدانند. کسب هویت، افرادی که هویت به دست آورده‌اند، قبلاً گزینه‌ها را بررسی کرده و به اهداف و ارزش‌های خاصی که خودشان انتخاب کرده‌اند، پایبند هستند. آن‌ها احساس سلامت روانی می‌کنند و می‌دانند راه به کجا می‌برند. تازه‌ترین نظریه‌ی مربوط به هویت، نظریه‌ی سبک‌های هویت برزونسکی است. برزونسکی سه سبک هویتی را معرفی می‌کند که در آن افراد دارای سبک

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-13]

اطلاعاتی، اطلاعات خود را درزمانی که باید تصمیم‌هایی در مورد هویت خود یا حل مشکلات شخصی خودشان بگیرند، گسترش داده و از آن سود می‌جویند. سبک هنجاری، شامل مطابقت داشتن با دیگران و اجرای دستورالعمل‌ها و انتظارات افراد مهم در زندگی می‌باشد. سبک نامتمایز اجتنابی به اجتناب از تصمیم‌گیری و حل مشکلات می‌پردازد (ابولمعالی و همکاران، ۲۰۱۵) بنابراین، تکلیف اساسی نوجوان کسب شیوه‌هایی از زندگی است که بتواند تعهدات پایداری را برای او ایجاد کند. کوشش برای به وجود آمدن من تازه‌ای است که سرشار از قدرت، وفاداری و تعهدات می‌باشد و به نحوی آزادانه، می‌تواند ثبات قدم خود را نمایان کند. مطالعات تجربی درباره عوامل زمینه‌ساز، دوره‌ی رشد، عوامل خطر و درمان اختلال سلوک در دختران بررسی‌شده که منجر به شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های میان پسران و دختران می‌شود. علائم اختلال سلوک معمولاً در دختران پایدار می باشد. عوامل زمینه‌ساز این اختلال در دختران احتمالاً شامل اختلالات نافرمانی مقابله جویانه و عوامل مزاجی است و ممکن است شامل بعضی شناخته‌ای منفی هم باشد. درمان اختلال سلوک بسیار چالش‌برانگیز و پیچیده می‌باشد. درمان اغلب به‌صورت ترکیبی از مداخلات روانی-اجتماعی و دارویی است. معمولاً نمایش روان‌شناختی بکار برده شامل آموزش والدین، آموزش مهارت‌های اجتماعی، خانواده‌درمانی، گروه‌درمانی می‌باشد. با توجه به مطالب ذکرشده، ضرورت داشتن مدلی ساختاری از عوامل روان‌شناختی اختلال سلوک برای شناخت و درک بهتر آن احساس گردید، تا بتوان مرجعی معتبر برای بررسی، تشخیص، پیشگیری و درمان به‌موقع در دسترس متخصصان قرار بگیرد و از طریق آن ریسک پیامدهای روانی و بیولوژیکی اختلال مذکور کاهش یابد و دارای نوجوانانی سالم‌تر و جامعه‌ای پویاتر و امن‌تر باشیم. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر است :

۱.آیا سبک‌های تربیتی و اسنادی و سبک‌های هویت بر اختلال سلوک اثر مستقیم دارند؟

۲.آیا سبک‌های تربیتی و اسنادی با میانجیگری سبک‌های هویت بر اختلال سلوک اثر غیرمستقیم دارند؟

مواد و روش کار

پژوهش حاضر از نوع همبستگی با استفاده از روش مدل یابی روابط ساختاری است. جامعه‌ی آماری این پژوهش عبارت است از کلیه‌ی دانش آموزان دختر دوره‌ی دوم متوسطه‌ی شهر مهاباد به تعداد ۳۹۰۳ نفر که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل می‌باشند. حجم نمونه از طریق جدول کرجسی و مورگان و با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای به تعداد ۳۵۰ نفر انتخاب گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش پرسشنامه (روش میدانی) و برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار smart PLS3 و SPSS- 25 استفاده شد.

ابزار سنجش

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به متغیرها از این ابزارها استفاده شد.

۱.**پرسشنامه‌ی علائم مرضی کودکان** CSI-4 : این پرسشنامه، ابزار غربالگری برای رایج‌ترین اختلالات روانی کودکان می باشد که بر اساس DSM تنظیم‌شده است و دارای دو چک‌لیست والدین و معلمان می‌باشد. چک‌لیست والد، شامل ۹۷ سؤال است و ۱۷ اختلال را می‌سنجد. حساسیت و ویژگی این آزمون در ایران برای اختلال سلوک بررسی‌شده که به ترتیب ۰/۸۹ و۰/۹۷ می‌باشد و بهترین نقطه برش آن تعیین‌شده است.

۲ .پرسشنامه‌ی سبک‌های فرزند پروری دایانا بامریند: پرسشنامه شامل ۳۰ جمله می‌باشد که ۱۰ جمله آن به شیوه‌ی سهل گیرانه، ۱۰ جمله به شیوه‌ی مستبدانه و ۱۰ جمله دیگر آن به شیوه‌ی قاطعانه مربوط است. روایی و پایایی این پرسشنامه در تحقیقات مختلف تأییدشده است. بطوریکه پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش باز آزمایی در میان گروه مادران به ترتیب ۰/۸۱ برای شیوه‌ی آسان گیرانه ، ۰/۸۶ برای شیوه‌ی استبدادی، ۰/۷۸ برای شیوه‌ی مقتدرانه و در بین پدران به ترتیب ۰/۷۷ برای شیوه‌ی سهل گیرانه ، ۰/۸۵ برای شیوه‌ی مستبدانه، ۰/۸۵ برای شیوه‌ی مقتدرانه گزارش نموده‌اند. اعتبار این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۴ برای الگوی اقتدار منطقی، ۰/۷۲ برای الگوی استبدادی و ۰/۷۶ برای الگوی آسان گیرانه به‌دست‌آمده است.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-13]

۳ .پرسشنامه‌ی سبک‌های اسنادی : این پرسشنامه، یک ابزار خود گزارش دهی است و دارای ۱۲ موقعیت فرضی مختلف می‌باشد که نیمی از آن‌ها شامل رویدادهای خوب و نیمی دیگر مربوط به رویدادهای بد است. اعتبار این پرسشنامه در مطالعات مختلفی موردبررسی قرارگرفته است. پیترسون و همکاران ضرایب اعتبار تجارب مثبت را ۰/۷۲ و تجارب منفی را ۷۵/ ۰ گزارش داده‌اند. همچنین، میزان آلفای کرونباخ (شاخص همسانی درونی) برای سه زیر مقیاس منبع مهار، ثبات یا پایداری و کلی بودن رابین ۰/۴۴ تا ۶۹ /۰ گزارش کرده‌اند.

۴ .پرسشنامه‌ی سبک‌های هویت برزونسکی : این پرسشنامه توسط برزونسکی ساخته شد و حاوی ۴۰ گویه و ۳ خرده مقیاس سبک اطلاعاتی، سبک هنجاری، و سبک اجتنابی-سردرگم است. برزونسکی اعتبار این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ در بعد اطلاعاتی ۰/۶۲، در بعد هنجاری ۰/۶۶ و در بعد اجتنابی- سردرگم ۰/۷۳ گزارش داده است. بعلاوه با استفاده از روش تحلیل عاملی ۰/۵۳ از واریانس آزمون توسط عامل‌های آن تبیین می‌شود.

یافته‌ها

درمجموع ۳۵۰ دانش‌آموز دختر (کلیه افراد نمونه آماری را دانش آموزان دختر(۱۰۰٪ نمونه آماری) تشکیل می‌دهند) پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. توزیع فراوانی مقطع تحصیلی دانش آموزان موردمطالعه شامل : ۲۹ درصد (۱۰۰ نفر) از دانش آموزان در مقطع تحصیلی دهم، ۳۳ درصد (۱۱۷ نفر) از دانش آموزان در مقطع تحصیلی یازدهم و ۳۸ درصد (۱۳۳ نفر) از دانش آموزان در مقطع تحصیلی دوازدهم مشغول به تحصیل بودند. توزیع فراوانی میزان تحصیلات دانش آموزان موردمطالعه شامل : ۲۸ درصد (۹۷ نفر) از دانش آموزان سن ۱۶ سال، ۳۵ درصد (۱۲۲ نفر) از دانش آموزان سن ۱۷ سال و ۳۷ درصد (۱۳۱ نفر) از دانش آموزان سن ۱۸ سال داشتند.

نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف حاکی از آن است که سطح معنی‌داری برای هر یک از متغیرهای موردبررسی بیشتر از ۵ صدم به‌دست‌آمده، لذا می‌توان گفت که توزیع داده‌ها نرمال است. با عنایت به اینکه مدل نظری تحقیق حاضر بسیار پیچیده می‌باشد. یعنی اینکه متغیرهای پنهان مرتبه دوم به بالا در مدل پژوهش وجود دارد. لذا استفاده از نرم‌افزارهایی همچون لیزرل و اموس با مشکلات فراوانی همراه می‌باشد. و با توجه به اینکه برای تحلیل پژوهش حاضر از مدل معادلات ساختاری استفاده‌شده است. بنابراین مناسب‌ترین نرم‌افزار ، نرم‌افزار **PLS** می‌باشد.

بررسی مدل اندازه‌گیری تحقیق

شاخص‌های مدل اندازه‌گیری که همان شاخص‌های برازش مدل بیرونی می‌باشند و در مورد ارتباط سؤالات پرسشنامه با متغیرها به کار می‌روند شامل شاخص‌های روایی و پایایی هستند که در آن برای پایایی به ضریب آلفای کرونباخ اشاره می‌شود و در روایی نیز به روایی همگرا(بارهای عاملی و مقدار AVE) و روایی تشخیصی(روایی واگرا) اشاره می‌شود.

ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (پایایی سازه)

پایایی سازه یا ترکیبی معیاری است برای تعیین سازگاری درونی متغیرهای آشکار. به این معنی که اگر عدد بزرگی برای آن محاسبه شود این مقدار بر اساس منابع معتبر باید بزرگتر از ۰/۷ باشد تا بتوان ادعا کرد سازگاری درونی میان داده‌ها وجود دارد. در این راستا برای تایید پایایی پرسشنامه نیز از شاخص های آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد و نتایج به شرح جدول یک به دست آمده است.

جدول (۱): پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ

متغیر ترکیبی	آلفای کرونباخ	پایایی
اختلال سلوک	۰/۸۴۳	۰/۸۶۳
سبک اسنادی موقعیت مثبت	۰/۷۳۳	
۰/۸۴۶		

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-13]

سبک اسنادی موقعیت منفی	۰/۸۰۶	۰/۸۵۵
سبک تربیتی سهل گیرانه	۰/۸۵۶	۰/۸۸۸
سبک تربیتی قاطعانه	۰/۷۹۵	۰/۸۳۱
سبک تربیتی مستبدانه	۰/۸۱۵	۰/۸۵۷
سبک هویت اطلاعاتی	۰/۸۴۵	۰/۸۸۲
سبک هویت هنجاری	۰/۸۳۳	۰/۸۹۱
سبک هویت اجتنابی	۰/۷۸۱	۰/۸۲۹

همانطور که در جدول۱ ملاحظه می‌شود مقدار کلیه مقادیر پایایی ترکیبی و ضریب آلفای کرونباخ بالای ۰/۷ می‌باشد در نتیجه پایایی ابزار تأیید گردید. همچنین در این تحقیق بارعاملی همه سوالات تحقیق بیشتر از ۰/۵ به دست آمد.

جدول (۲) : نتایج میانگین واریانس های استخراجی (AVE)

متغیر	میانگین واریانس استخراجی
اختلال سلوک	۰/۶۵۷
سبک اسنادی موقعیت مثبت	۰/۵۲۶
سبک اسنادی موقعیت منفی	۰/۵۰۷
سبک تربیتی سهل گیرانه	۰/۶۴۵
سبک تربیتی قاطعانه	۰/۵۱۳
سبک تربیتی مستبدانه	۰/۵۰۶
سبک هویت اطلاعاتی	۰/۵۰۱
سبک هویت هنجاری	۰/۶۴۳
سبک هویت اجتنابی	۰/۵۸۵

همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده است تمامی مقادیر میانگین واریانس‌های استخراجی تقریباً از مقدار ۰/۵ بالاتر هستند، در نتیجه دومین روایی همگرا نیز تأیید گردید.

جدول (۳) : شاخص های برازش مدل ساختاری (Q2, F2, R, VIF)

متغیر	R Square	R Square Adjusted	f Square	Q2(=1-SSE/SSO)	Collinearity
اختلال سلوک	۰/۵۲۴	۰/۵۵۲	۱/۳۳۰	۰/۳۹۸	۱/۳۴۳
سبک هویت اجتنابی	۰/۸۳۴	۰/۸۳۴	۱/۹۱۴	۰/۳۳۵	۱/۹۷۴
سبک هویت اطلاعاتی	۰/۴۵۱	۰/۴۴۹	۰/۸۸۸	۰/۵۳۱	۲/۵۰۱
سبک هویت هنجاری	۰/۷۶۱	۰/۷۶۰	۲/۰۰۵	۰/۳۲۲	۲/۶۳۱

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-13]

بر اساس نتایج حاصل شده درجدول ۳، باید گفت که کلیه شاخص‌های برازش مدل ساختاری اعم از Q2,F2,R,VIF بر اساس قواعد و قرارداد موجود در بازه مناسبی قرار دارند و در اینجا مورد قبول واقع می‌شوند.

برازش مدل کلی تحقیق

جهت برازش کلی مدل از شاخص‌هایی همچون شاخص SRMR، RMS, THETA، D_ULS، D_G، NFI و مقدار GOF و استفاده شده است یافته‌های مربوط به هرکدام از این شاخص‌ها در جدول زیر ارائه شده است. یکی از شاخص‌های اصلی برازش مدل کلی معیار GOF می‌باشد. مقدار GOF محاسبه شده به شرح زیر می‌باشد:

$GOF=\sqrt{((COMMUNALITY)\bar{}*(R^2)\bar{})}=\sqrt{(0.563*0.624)}=0.593$

جدول (۴) : شاخص های برازش مدل نهایی تحقیق

شاخص	آماره	مقدار استاندارد
SRMR	۰/۰۵۶	کمتر از ۰/۰۸
RMS Theta	۰/۰۸۱	کمتر از ۰/۱۲
GOF	۰/۵۶۹	بیشتر از ۰/۲۵
NFI	۰/۹۲۱	بیشتر از ۰/۹۵
d-ULS	۰/۶۵۱	کمتر از ۰/۹۵
d-G	۰/۴۸۹	کمتر از ۰/۹۵

در مجموع بر اساس نتایج بدست آمده در جدول ۴، کلیه ی شاخص ها دارای نمره ی مطلوبی می باشند و این یعنی مدل تحقیق حاضر از برازش خوب و مطلوبی برخوردار است. برای تحلیل فرضیه فوق باید کلیه ابعاد متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار گیرد. که در ادامه به بررسی مفصل این ابعاد و نقش میانجی پرداخته می شود.

جدول (۵) : نتایج سبک های هویت در رابطه بین سبک‌ها ی تربیتی و اختلال سلوک

Specific Indirection Effect	Original Sample(o)	T Statistics(O/STEVI)	P Values
سبک تربیتی سهل گیرانه ->سبک هویت	۰/۰۵۲	۲/۲۳۴	۰/۰۴۱

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-13]

اجتنابی-> اختلال سلوک			
سبک تربیتی سهل گیرانه -> سبک هویت اطلاعاتی -> اختلال سلوک	۰/۰۵۳	۲/۱۵۳	۰/۰۳۷
سبک تربیتی سهل گیرانه -> سبک هویت هنجاری -> اختلال سلوک	۰/۰۶۲	۲/۲۲۶	۰/۰۴۳
سبک تربیتی قاطعانه -> سبک هویت اجتنابی -> اختلال سلوک	-۰/۰۶۶	۲/۴۳۷	۰/۰۳۱
سبک تربیتی قاطعانه -> سبک هویت اطلاعاتی-> اختلال سلوک	-۰/۰۵۱	۲/۱۸۳	۰/۰۳۷
سبک تربیتی قاطعانه -> سبک هویت هنجاری -> اختلال سلوک	-۰/۰۵۹	۲/۰۲۵	۰/۰۴۷
سبک تربیتی مستبدانه -> سبک هویت اجتنابی-> اختلال سلوک	۰/۰۵۷	۲/۲۳۶	۰/۰۴۱
سبک تربیتی مستبدانه -> سبک هویت اطلاعاتی -> اختلال سلوک	۰/۰۶۵	۲/۳۴۳	۰/۰۲۰
سبک تربیتی مستبدانه -> سبک هویت هنجاری -> اختلال سلوک	۰/۰۶۳	۲/۲۱۶	۰/۰۰۷

با توجه به نتایج جدول ۵ ، اثر غیر مستقیم سبک تربیتی سهل گیرانه بر اختلال سلوک از طریق سبک هویت اجتنابی مقدار ۰/۰۵۲ محاسبه شده است و معنی دار است (P≤۰/۰۵). اثر غیر مستقیم سبک تربیتی قاطعانه بر اختلال سلوک از طریق سبک هویت اجتنابی مقدار ۰/۰۶۶- محاسبه شده است و معنی دار است (P≤۰/۰۵). اثر غیر مستقیم سبک تربیتی مستبدانه بر اختلال سلوک از طریق سبک هویت اجتنابی مقدار ۰/۰۵۷ محاسبه شده است و معنی دار است (P≤۰/۰۵). اثر غیر مستقیم سبک تربیتی سهل گیرانه بر اختلال سلوک از طریق سبک هویت اطلاعاتی مقدار ۰/۰۵۳ محاسبه شده است و معنی دار است (P≤۰/۰۵). اثر غیر مستقیم سبک تربیتی قاطعانه بر اختلال سلوک از طریق سبک هویت اطلاعاتی مقدار ۰/۰۵۱ - محاسبه شده است و معنی دار است (P≤۰/۰۵). اثر غیر مستقیم سبک تربیتی مستبدانه بر اختلال سلوک از طریق سبک هویت اطلاعاتی مقدار ۰/۰۶۵ محاسبه شده است و معنی دار است (P≤۰/۰۵). ، اثر غیر مستقیم سبک تربیتی سهل گیرانه بر اختلال سلوک از طریق سبک هویت هنجاری مقدار ۰/۰۶۲ محاسبه شده است و معنی دار است (P≤۰/۰۵). اثر غیر مستقیم سبک تربیتی قاطعانه بر اختلال سلوک از طریق سبک هویت هنجاری مقدار ۰/۰۵۹ - محاسبه شده است و معنی دار است (P≤۰/۰۵). اثر غیر مستقیم سبک تربیتی مستبدانه بر اختلال سلوک از طریق سبک هویت هنجاری مقدار ۰/۰۶۳ محاسبه شده است و معنی دار است (P≤۰/۰۵).

جدول (۶) : نتایج نقش سبک های هویت در رابطه بین سبکهای اسنادی و اختلال سلوک

Specific Indirect Effect	Original Sample(o)	T Statistics (O/STDEV)	P Values
سبک اسنادی موقعیت مثبت -> سبک هویت هنجاری-> اختلال سلوک	-۰/۱۴۰	۵/۷۳۱	۰/۰۰۰
سبک اسنادی موقعیت مثبت ->سبک هویت اطلاعاتی-> اختلال سلوک	-۰/۰۶۷	۲/۰۴۷	۰/۰۱۵
سبک اسنادی موقعیت مثبت -> سبک	-۰/۱۳۶	۵/۵۶۹	۰/۰۰۰

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-13]

هویت ا جتنابی -> اختلال سلوک			
سبک اسنادی موقعیت منفی -> سبک هویت هنجاری-> اختلال سلوک	۰/۲۰۶	۶/۰۳۲	۰/۰۰۰
سبک اسنادی موقعیت منفی -> سبک هویت اطلاعاتی -> اختلال سلوک	۰/۰۵۸	۲/۰۲۷	۰/۰۲۹
سبک اسنادی موقعیت منفی-> سبک هویت اجتنابی -> اختلال سلوک	۰/۲۴۷	۶/۶۶۹	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول ۶ ، اثر غیر مستقیم سبک اسنادی موقعیت مثبت بر اختلال سلوک از طریق سبک هویت هنجاری مقدار ۰/۱۴۰- محاسبه شده است و معنی دار است (P≤۰/۰۵). اثر غیر مستقیم سبک اسنادی موقعیت منفی بر اختلال سلوک از طریق سبک هویت هنجاری مقدار ۰/۲۰۶ محاسبه شده است و معنی دار است (P≤۰/۰۵). اثر غیر مستقیم سبک اسنادی موقعیت مثبت بر اختلال سلوک از طریق سبک هویت اطلاعاتی مقدار ۰/۰۶۷- محاسبه شده است و معنی دار است (P≤۰/۰۵). اثر غیر مستقیم سبک اسنادی موقعیت منفی بر اختلال سلوک از طریق سبک هویت اطلاعاتی مقدار ۰/۰۵۸ محاسبه شده است و معنی دار است (P≤۰/۰۵). اثر غیر مستقیم سبک اسنادی موقعیت مثبت بر اختلال سلوک از طریق سبک هویت اجتنابی مقدار ۰/۱۳۶- محاسبه شده است و معنی دار است (P≤۰/۰۵). اثر غیر مستقیم سبک اسنادی موقعیت منفی بر اختلال سلوک از طریق سبک هویت اجتنابی مقدار ۰/۲۴۷ محاسبه شده است و معنی دار است (P≤۰/۰۵).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر، نقش سبکهای تربیتی و سبکهای اسنادی در پیش بینی اختلال سلوک با واسطه گری سبکهای هویت در بین نوجوانان دختر دوره دوم متوسطه بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد سبکهای فرزند پروری والدین بر اختلال سلوک نوجوانان تاثیرگذار است و یافته های تحقیقات پیشین نیز آن را تایید می کند. یافته های بدست آمده از این پژوهش با تحقیقات پژوهشگرانی مانند گرمسیری مهلوار و شکرزاده (۱۳۹۸) همسو می باشد. مطابق با نتایج بدست آمده ، ارتباط میان سبک تربیتی قاطعانه با اختلال سلوک منفی و معنادار می باشد. در تبیین این نتیجه می توان اظهار کرد والدینی که الگوی تربیتی قاطعانه دارند همیشه در برخورد نمودن با اعمال اشتباه فرزند خود بر نحوه ی اعمال او تاکید نموده و به هیچ عنوان شخصیت او را تخریب نکرده و تنبیه فرزند صرفا بخاطر نارضایتی از اعمال ناشایست او بوده و بجای پریشان و هراسان نمودن فرزند، سعی در اصلاح اعمال، کمبود شناخت، مهارتها و دانش و اندیشه ی منطقی او کرده اند. این والدین، فرزندان خود را برای مواجهه با ناملایمات و مشکلات آماده می سازند، آنها بجای رفتارهای ناعادلانه و خشونت و تنبیه، آموزشهای مناسب و کارآمد را برای مقابله با مشکلات زندگی به فرزندان خود میدهند. در این الگوی تربیتی هرگز فرزند طرد نمی گردد و جدا از رفتارهای ناشایست مورد توجه والدینش قرار می گیرد و اعمال مثبت او همواره مورد تشویق و پاداش قرار می گیرد و در نتیجه موجب پرورش حس دوست داشتن و همچنین برانگیخته شدن تمایل به همکاری و عزت نفس و احساس اعتماد به نفس در فرزندان می گردد و بنابراین در چنین محیطی فرزندان سازگاری زیادی را در اجتماع خویش بروز می دهند. قطعا این سبک تربیتی و فرزندپروری، منجر به فراهم شدن زمینه ای جهت رفتارهای شایسته و مطلوب فرزندان خواهد شد و آنان کمتر درگیر اعمال ناشایست و ناسازگار و اختلال سلوک می شوند (یوکی و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین نتایج بدست آمده نشان داد ارتباط میان سبک تربیتی سهل گیرانه با اختلال سلوک مثبت و معنادار می باشد. والدین سهل گیر، فرزندان را به حال خود رها کرده، برای رعایت مقررات و مناسبات شخصی و اجتماعی آموزشی به فرزندان نمی دهند و نوجوانان نیز هیجانات منفی خویش را بدون رعایت نمودن حرمت خانواده و مدیریت ابراز می کنند و این نوجوانان بدلیل دریافت نکردن بازخورد از طرف والدینشان، مدیریت هیجان ها را یاد نگرفته و رفتارهای هیجانی در آنان تکرار و تثبیت می شود، آنها همچنین از عزت نفس و استقلال رأی کمی برخوردار می باشند. فرزندان والدین سهل گیر بصورت اشخاصی تقریبا ناپخته تعریف شده که زمان مقابله با مشکلات گرایش به واپس روی دارند و نسنجیده رفتار می کنند و فعالیتهایشان بدون هدف می باشد. والدین سهل گیر، موجب الگوی عمل تأخیر در بلوغ،

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-13]

نداشتن حس مسئولیت و خود رهبری و کاهش اعتماد بنفس می گردند (محمودی و همکاران، ۱۳۹۵). ارتباط میان اختلال سلوک و سبک تربیتی مستبدانه مثبت و معنادار است. در تبیین این نتیجه می توان اظهار کرد والدینی که سبک تربیتی مستبدانه دارند، با در نظر گرفتن این نکته که الگوی تعاملی آنها بسیار ضعیف بوده و غالبا با تنبیه و خشونت و سخت گیری بیش از حد همراه می باشد و فرزند هر خطایی که مرتکب می شود همراه با ایجاد حس گناه و شرمساری و حمله به شخصیت او است، در نتیجه این عمل زمینه را جهت بوجود آمدن تصویر ضعیفی از شخصیت خویش و کاهش عزت نفس و اعمال مخرب در فرزند ایجاد می کند. با چنین سبک تربیتی فرزند نمی تواند بین خشونت و تنبیهی که برای او اعمال شده و اعمال خود رابطه ی منطقی برقرار کند و منجر به تثبیت این تصور در ذهن او می گردد که والدینش حقیقت محض هستند، بنابراین زمینه ای را برای فرزند جهت انجام اعمال مهار گسیخته و ناشایست و اختلال سلوک بوجود می آورد. خشونت های غیر منطقی و تنبیهات کینه توزانه، تصور بی توجهی را در ذهن فرزند شکل داده و موجب بروز بعضی از اعمال ضد اجتماعی از قبیل پرخاشگری، فرار از خانه، اعمال ضد هنجارهای اجتماعی و همچنین مشکلات رفتاری می گردد (گرمسیری مهلواره و شکرزاده، ۱۳۹۸). در تبیین یافته های پژوهش حاضر می توان بیان کرد که سبک تربیتی مستبدانه یکی از مشخصه های خانوادگی نوجوانان دارای اختلال سلوک است و این شیوه ی تربیتی با بروز رفتارهای بزهکارانه و مشکلات رفتاری برون سازی شده، رفتارهای ضد اجتماعی مانند مصرف الکل و مواد مخدر ارتباط دارد. همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد میان ابعاد سبکهای اسنادی (موقعیت مثبت، موقعیت منفی) با اختلال سلوک رابطه وجود دارد و جهت ارتباط نیز با بُعد موقعیت منفی، مستقیم و در ارتباط با بُعد موقعیت مثبت، معکوس می باشد. نتایج بدست آمده از این پژوهش با مطالعات پژوهشگرانی مانند (اسکاینی و همکاران،۲۰۲۰) همسو می باشد. بر طبق دیدگاه شناختی، فرد سالم کسی است که قادر به پردازش درست اطلاعات باشد. اگر فرد عملکرد سالم و درستی در پردازش اطلاعات نداشته باشد درگیر خطای شناختی می گردد و بنابراین مبتلا به اختلالات روانشناختی و ناراحتی ها می شود. افراد با اختلال سلوک اعمال ناخوشایند را به عوامل بیرونی انتساب می دهند که موجب کاهش حس گناه در مورد انجام آن اعمال می گردد و بزهکاری، تکانش ورزی و کینه توزی را به همراه دارد (اسکاینی و همکاران، ۲۰۲۰). نوجوانان مبتلا به اختلال سلوک توانایی کمی در مقابله با مشکلات در رابطه با اطرافیان دارند و خود ابرازگری و مهارت اجتماعی پایینی دارند، بنابراین بتدریج حالت افسردگی، اضطراب و درون گرایی زیادتری را احساس کرده که منجر به بوجود آمدن سبک اسناد بدبینانه تری در زندگی او می شود. اندرسون و بوشمن بیان می کنند که عمل انسان نتیجه ی نهایی نگرشها و عقاید او هستند که در این میان انسان در تعامل و برخورد دیگران بتدریج درباره ی اعمال افراد باورها و عقایدی را پرورش داده که این باورها می توانند منفی و خصمانه یا مثبت و همدلانه باشد. اگر در گذر زمان عقاید منفی و خصمانه شکل گیرد زمینه ای جهت تشکیل باورهای منفی درباره ی دیگران بصورت اسنادهای خصمانه ایجاد می شود. در نتیجه، شخص در ارتباط با دیگران، اعمال آنان را خصمانه تصور کرده و در برابر آن بصورت خصومت آمیز و پرخاشگرانه برخورد خواهد کرد (حسینی، ۱۳۹۶). علاوه بر این نتایج پژوهش حاضر نشان داد رابطه ی بین سبکهای هویت اجتنابی و هنجاری با اختلال سلوک مثبت و معنادار می باشد و رابطه ی بین سبک هویت اطلاعاتی با اختلال سلوک منفی و معنادار می باشد. اریسکون معتقد است که هویت نشانه ی نشاط روان می باشد و هویت در برابر سردرگمی علامت شخصیت سالم می باشد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی در این پژوهش، سبک هویت هنجاری در پیش بینی اختلال سلوک دانش آموزان ضریب بیشتری را دارا می باشد و نشان دهنده ی قدرت پیش بینی زیاد این سبک هویت می باشد. افراد دارای سبک هویت هنجاری، افرادی سازگار و وظیفه شناس هستند که تمایل کمتری به گشودگی درباره ی اعمال، افکار و ارزشها دارند. آنان در مقابل اطلاعاتی که نظام باورها و ارزشهای شخص شان را به چالش بکشد، بسته عمل می نمایند و بطور اتوماتیک با معیارها و اهداف دیگران سازگار می گردند و آنان را درونی می سازند (کریمی، ۱۳۹۶). در واقع، هویت هنجاری گرایش به همنوا شدن با انتظارهای اجتماع و خانواده و در درجه ی بالایی از تعهد به اشخاص مهم زندگی و بهره از نظرات آنان می باشد. چون اعمال تکانشی و تصمیم گیریهای بدون تفکر و بدون در نظر داشتن عواقب آن کمتر مورد تایید و اقبال اجتماع و خانواده قرار می گیرد، بنابراین نوجوانان با هویت هنجاری کوشش بیشتری به منظور مدیریت اعمال هیجانی و تکانه ای خویش می کنند (یوسفی لیمایی، ۱۳۹۸).از نظر برزونسکی، هویت سردرگم، گم شده یا پراکنده

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-13]

است و همراه با مکان کنترل خارجی، تعهد ضعیف، خودناتوانی، پراکندگی هویت و تکانشگری است. طبق مطالعات پیشین اشخاص دارای سبک هویت سردرگم اعتماد، گشودگی، تحمل و صمیمیت کمتری در روابط دارند و به احتمال بیشتر با مشکلات زیادتری مواجهه می گردند و در ایجاد و حفظ ارتباطات دوستانه و شبکه ی حمایتی اجتماعی دچار مشکل می شوند (خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۹). این اشخاص بیشتر از استراتژی های ناسازگار استفاده می نمایند. سبک هویتی سردرگم ناشی از ساختار هویتی نامنسجم است. ویژگی عمده ی آن پایین بودن سطح پردازش اطلاعات فعال و همچنین مهارتهای محدود حل مسایل می باشد. در حقیقت، اشخاص دارای این سبک هویت در فرآیند پردازش اطلاعات از شیوه های منطقی کمی استفاده می نمایند(برزونسکی وکوک، ۲۰۲۱). این اشخاص به احتمال زیاد از روبه رو شدن با مسایل و تلاش برای حل آنها دوری کرده و این مشخصه ها همخوانی با خصوصیات دانش آموزان مبتلا به اختلال سلوک دارد. بر طبق پژوهش برزونسکی و کوک، افراد دارای هویت سردرگم دارای تحمل کمی نسبت به افراد با هویت هنجاری و اطلاعاتی هستند، عزت نفس پایینی دارند و با روان رنجوری بالا و واکنشهای افسردگی بطور مثبت رابطه دارند و استدلال اخلاقی این افراد رشد نکرده است. تکانشی بوده و دارای تفکر نامنظم اند و به سختی عهده دار و مسئول زندگی شان هستند (محسنی و همکاران، ۱۳۹۶). افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی از سلامت اجتماعی زیادتری برخوردار هستند نسبت به افراد دارای سبک هویت هنجاری و سردرگم که سلامت اجتماعی پایین تری دارند. نوجوانان با سبک هویت اطلاعاتی، اعتماد بنفس، استقلال هیجانی، تعاملات صمیمانه ی بالاتر و نقشه های بلند مدت در مورد زندگی شان و ارتباط پایدار با همسالانشان دارند. افراد با سبک هویت اطلاعاتی، قبل از شکل گیری تعهدات هویتی فردی در مورد اینکه چه کسی هستند و باورها و ارزشهایشان چیست، گزینه های هویتی مختلف را بطور فعالانه کشف و جستجو، و بطور اندیشمندانه اطلاعات مرتبط با هویت را پردازش کرده و ارزیابی می نمایند(موناسیس و همکاران، ۲۰۱۶). نحوه ی ارتباط و تعامل والدین با فرزندان در شکل گیری هویت آنها تاثیر خواهد داشت. محیط خانواده جایی است که حس اصلی و اساسی فرد از خود بوسیله ی ارتباط و تعاملات گرم و صمیمانه با والدین و اعضای خانواده بوجود می آید. تحقیقات نشان داده است که سبکهای مقتدرانه بیش از سبکهای سهل گیرانه و مستبدانه، باعث تقویت عزت نفس فرزندان می شود. در سبک مقتدرانه، تعارضات بین افراد کاهش یافته، اختلاف و مسایل از طریق گفتگو و به رسمیت شناختن همدیگر حل شده و بر اساس احترام دو طرفه می باشد. سبک مقتدرانه، موجب شکل گیری تصور مثبت از خود و تاثیر منفی بر قبول خشونت و پذیرش زورگویی همسالان می شود. والدینی که در تعاملات و حل تعارضها به شیوه های کنترل کننده و خصمانه و همراه با تنبیه با نوجوانان برخورد می کنند مانع از شکل گیری هویتی سالم و منسجم در آنان می شوند به طوری که نوجوانان با هویت سردرگم تا حد ممکن از روبه رو شدن با تعارض ها و مسایل مرتبط با هویت اجتناب کرده و اعمالشان بر طبق لذت طلبی و عوامل موقعیتی مشخص می گردد و از سطوح پایین مهارت خویشتنداری برخوردار می باشند (محسنی و همکاران، ۱۳۹۶). برزونسکی معتقد است، نوجوانان دارای هویت هنجاری بیشتر هویت خود را بر روی اسنادهای جمعی مانند کشورم، مذهبم، افتخار ملی ام تعریف می نمایند و سعی و کوشش این نوجوانان جهت حفظ ساختار خویش باعث تعریفاتی شناختی و اعمال کلیشه ای می شود. هدفهای تحصیلی و شغلی آنان انعطاف ناپذیر است و از بیرون کنترل می گردد. نوجوانانی که دارای پردازش هویت هنجاری هستند در رابطه با مسایل هویتی به شیوه ی همنوایی با تجارب افراد مهم زندگی و گروههای مرجع عمل می نمایند. آنها بطور خودکار، عقاید و ارزشهای دیگران را بدون هیچ گونه ارزیابی آگاهانه قبول می کنند و برونی می سازند. اشخاص دارای پایگاههای هویت موفق و دیررس، گرایش به استفاده از سبک هویت اطلاعاتی دارند. به این معنی درهر دو پایگاه، فرآیند جستجو و کاوش فعال می باشد و اطلاعات در جریان تصیم گیری مرتبط با هویت گردآوری شده یا در حال گردآوری می باشند و اختلاف این دو پایگاه در میزان تعهدهای آنان است. افراد دارای پایگاه هویت زودرس، از سبک پردازش هنجاری استفاده می نمایند. این اشخاص دارای تجربه ی کاوشگری کمتری بوده و متعهد به انتظارات و تجویزات دیگران مهم زندگی شان می باشند و همنوایی با خواسته و عقاید دیگران خصوصیت بارز آنان است. افراد دارای پایگاه هویت مغشوش از پردازش هویت اجتنابی استفاده می نمایند. این اشخاص فاقد تعهد مرتبط با هویت می باشند و گرایش به راهبردهای تعلل، دوری و تعویق دارند. نوجوانان با هویت سردرگم، هویت خویش را بیشتر بر روی اسنادهای اجتماعی مانند محبوبیت و شهرت تعریف می نمایند و فاقد هدفهای شغلی

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-13]

و تحصیلی روشن وثابت هستند و دارای سطوح پایین تر خودمختاری، مهارتهای تحصیلی و خویشتنداری هستند. نوجوانان با هویت اجتنابی تا حد ممکن از مواجهه با تعارضات و مسایل مرتبط با هویت اجتناب می کنند. اعمال آنها بر طبق لذت طلبی و عوامل موقعیتی معین می گردد. تئوری اسناد دارای منشا شناختی است و گرایش اساسی فرد را جهت درک دنیا برای فهمیدن علت رویدادها ارزیابی می نماید. از آنجا که یکی از چالشهای مهم دوره ی نوجوانی هویت می باشد، در صورتی که نوجوانان از باور و نگرشی پویا و پایدار هویتی و فرهنگی تهی باشند، دنیای درونی ذهن خویش را نمی توانند با هنجارها و ارزشهای بادوام مجهز کنند و بنابراین دچار انزوا، بدبینی نسبت به افراد و اجتماع، بی انگیزگی و انفعال خواهند شد (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶). مانند سایر مطالعات، پژوهش حاضر با محدودیت هایی مواجهه بوده است. نمونه ی مورد نظر تنها شامل دانش آموزان دوره ی دوم متوسطه ی شهر مهاباد بود و این مسئله تعمیم نتایج را با احتیاط مواجهه می کند. همچنین استفاده از پرسشنامه از دیگر محدودیت های این پژوهش بود. در راستای محدودیت های این پژوهش پیشنهاد می گردد جهت تعمیم پذیری بیشتر، پژوهشهایی در یک حجم نمونه ی بزرگتر از دانش آموزان پسر و دختر انجام گیرد و در کنار پرسشنامه نیز از مصاحبه جهت افزایش غنای اطلاعات بهره برد. با توجه به تاثیر سبکهای تربیتی و سبکهای اسنادی و سبکهای هویت در اختلال سلوک، پیشنهاد می گردد کارگاه های آموزشی برای والدین برگزار نمایند و نظارتهای لازم و برنامه های ملاحظه ای مفید فردی و همچنین محیطی خصوصا در حوزه ی خانواده با هدف اصلاح کردن شیوه های تربیتی انجام گیرد.

References:

Abolmaali, KH; Afzali Ghadi, M., & Bidkhori, S. (2015). Prediction of anger control based on identity styles among female adolescents. Psychological Research. 18(1): 35-44 [Persian].

American Psychiatric Associate. (2021). Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders. Fifth edition text revision, DSM -5 – TR.

Berzonsky, MD; & Kuk, L. (2021). Identity styles and college adaption: The mediational roles of commitment, self-agency and self-regulation. Identity. 1-16. https://doi.org/10.1080/15283488.2020.1979552.

Domoff, S. E., & Niec, L .N. (2018). Parent and child interaction - therapy as a prevention model for childhood obesity: A novel application for high-risk families. Children and Youth Services Review. 91, 77-84.

Garmsiri Mahvar, A; Shokrzadeh, Sh. (2019). The Impacts of Parenting Styles on the Symptoms of Conduct Disorder among High School Students in Pakdasht. QJFR 2020; 16 (4):123-142. URL: http://qjfr.ir/article-1-1331-fa.html. [Persian].

Ghezelseflo, Mehdi; Hematipouya, Somayeh. (2018). Effectiveness of emotional regulation training on affective, social and educational adjustment in 10 to 14 years boys suffering from conduct disorder. 12(2), 183-202. https://dorl.net/dor/20.1001.1.20084331.1397.12.2.2.8. [Persian].

Hoseini, Marziyeh. (2017). The bias relationship between hostile attribution and aggression in teenagers : Mediating role of social-mental maturity. Master's thesis in general psychology. Tabriz University, Faculty of Education and Psychology. [Persian].

Inserm collective expertise centre conduct: Disorder in children and adolescents. [Accessed on 9 June 2018]. Available online: https: // www.ncbi. Nlm. Nih.gov / books/NBK7133.

Johari, Mohsen; Alijani, Fateme. (2021). Comparison of personality traits and attachment style and high-risk behavior in normal adolescents with conduct disorder. Applied Psychology, Iranian Association of Clinical Child and Adolescents psychology. (4) 15, 178-157. Doi: 10.52547/apsy.2021.222702.1092. [Persian].

Karimi, Massome. (2018). Comparsing of attachment styles and identity styles in adolescents with behavioral disorder and normal. Master's thesis in general psychology. Islamic Azad university Shahrood unit. [Persian].

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-13]

Khodadadi Sangdeh, J; Rezaiee Ahvanuiee, M; Rasouli Tahe, N.S. (2020). The prediction of self-disability education based on the persistence and identity styles. 9(3), 68-82. 82. Doi: 10.22098/jsp.2020.1065. [Persian].

Mahmoudi, Maryam. (2016). The relationship between approval seeking, impulsivity and anxiety of adolescents with parents' parenting methods (Master's thesis). Al-Zahra University. [Persian].

Mohseni, S; Hoseini, S. A; Kahaki, F; Hoseini, F; Mirshekari, L. (2017). Relationship between frustration, mental health and metacognition with high-risk behaviors in adolescents, Nursing development in health. 9(22), 15-25. magiran.com/p1886626. [Persian].

Monacis, L; de Palo, V; Sinatra, M; & Berzonesky, M.D. (2016). The revised identity style inventor: Factor structure and validity in Italian Speaking Students. Front. Psychol. 7:883.

Niazi, M; Eslami, R; Montazery, H; Sakhaei, A. (2017). Meta-analysis of studies on the relationship between lifestyle and social identity. Journal of Social Sciences, School of Literature and Human Sciences, Ferdowsi University of Mashhad. DOI: 10.22067/jss.v15i2.62132. [Persian].

Scaini, S., Caputi, M., Oyliari, A. (2020). The relation among attribution style, mentalization, and five anxiety phenotype in school-age children. Journal of Research in childhood education. 34(4): 551 – 56.

Sohrabi, F; Zeinali, S; Khanjani, Z. (2016). Investigate the Efficacy of Parenting Skill in Reducing Adolescent Conduct Disorder and Aggression. j.health 2016; 6 (5):565-574. URL: http://healthjournal.arums.ac.ir/article-1-822-fa.html. [Persian].

Rice, F, Riglin, L; Lomax, T, Souter, E Potter, K; Smith, D.J; …. & Thapar, A. (2019). Adolescent and adult differences in major depression symptom profiles. Journal of affective disorders, 243, 175 – 181.

Shan, R ; Gao , Q ; Xiang , Y ; Chen , T , Liu , T ; & chen , Q .(2020). Parent - child relationships and mobile phone addiction tendency among Chinese adolescents; the mediating role of psychological needs statisfaction and the moderating role of peer relationships. Children and Youth Services Review. 116, 101 -105.

Yockey, A; King, K & Vidourek, R. (2021). Past-year suicidal ideation among transgender individuals in the United States. Archives of suicide research, 26(1):40-80.

Yousefi Limaei, Fatemeh. (2019). Presenting a causal model of explaining the relationship between parenting styles and adolescents impulsivity, mediating role of identity styls. Master's thesis in general psychology. Islamic Azad University Shahr-e-Qods Branch. [Persian].

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-13]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۸، شماره ۲۲، پاییز ۱۴۰۲

The Role of Parenting Styles and Attribution Styles in Predicting Conduct Disorder Mediated by Identity Styles in High Secondary School Female Students

Mehran Soleymani [۳], Tishkeh Rastari [۴]

Abstract

Background & Aims: The purpose of this study was to investigate the role of parenting styles and attribution styles in predicting conduct disorders mediated by identity styles in high secondary school students**. Materials & Methods:** The statistical population included all high secondary school female students in Mahabad in the academic year 1401-1402 and 350 people were selected as a sample by multi –stage cluster random sampling method. In order to collect information, CSI-4 Children's Pathological Questionnaire, Baumrind Parenting Styles Questionnaire, Attribution Styles Questionnaire, Berzonsky Identity Styles Questionnaire were used. Structural equation model in smart-PLS3 and SPSS-25 software was used to analyze the data. **Results:** The results of the regression analysis showed that there is positive and significant relationship between permissive and authoritarian parenting styles with conduct disorder and also significant and negative relationship between authoritative parenting styles with conduct disorder ($p\leq0/05$). The relationship between attributional style of positive situation and conduct disorder is negative and significant and attributional style of negative situation is positive and significant ($p\leq0/05$). The relationship between normative and diffused identity styles with conduct disorder is positive and significant and informative identity style is negative and significant ($p\leq0/05$). **Conclusion:** Therefore, it can be concluded that the mentioned variables have the ability to predict conduct disorder.

Key Words: Conduct Disorder, Parenting Style, Attribution Style, Identity Style

[3] Associate Professor, Department of Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. Corresponding author: Msoleymani21@yahoo.com

[3]Master's degree graduate, Faculty of Human Science Department of Educational Science and Psychology, Department of Educational Psychology, Higher Education Institute of Afagh, Iran.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-13]